نگاهی به فیلم "زن و بچه"

پراکندگی از فرم تا اجرا



رویا سلیمی– آخرین ساخته سعید روستایی را شاید بتوان تا بیدی بر ایده‌های به پایان رسیده کارگردانی با استعداد دانست. با نگاه به کارنامه روستایی می توان سیر نزولی سیتمای این کارگردان جوان را به راحتی تشخیص داد. او را فیلمساز سیتمای اجتماعی می‌دانستد سیتمایی که هم زمان با کم رمق شدن، گویا تاثیر خود را بر کارگردانان این تاثر نیز گذاشته است.

"زن و بچه" فیلم هدر رفته‌ای است که با چند ایده جذاب شکل گرفته که شاید هر کدام از ایده‌ها به تنهایی می‌توانست فیلمی را سر پا نگه دارد. اما در ایتجا تنها دل سپردن به طرح این ایده‌ها کاری از پیش نبرده است. ایده نوجوان سرکشی که در دوران بحرانی نوجوانی، عشقی اقلاطونی را تجربه می کند در همان نیمه نخست فیلم به پایان می‌رسد. ایده ازدواج با زنی که دو فرزند داشته و چالش رویارویی خانواده همسر دوم با فرزندانش دستمایه درام اصلی را شکل می دهد که این ایده نیز به قدری کم رمق پیش می‌رود که نمی‌تواند درام را تا انتها بر دوش بکشد. بنابراین کارگردان ناگزیر می شود مدام فیلم را از وضعیتی به وضعیت دیگر تغییر دهد تا داستان پراکنده و پر حادثه‌اش، ریتم و تمپو را حفظ کند. در حالی که حفظ ریتم اثر با افزودن مدام اتفاقات جدید رخ نخواهد داد. آنچه ریتم فیلم را حفظ می کند، تمرکز بر ایده اصلی و بسط و گسترش نقطه ثقل اثر در کلیت داستان است.

این پراکندگی و شلوغ بودن پلات اصلی داستان فیلم، از نقاط اصلی ضعف "زن و بچه" است. تا نیمه نخست فیلم ماجرای درگیری پسر نوجوان با خانه، مدرسه و عشق اقلاطونی اش را دنبال می‌کنیم. در حالی که او قرار نیست تا پایان فیلم حضور داشته باشد. اما نیمی از فیلم در مورد او همچنان به شخصیت پردازی و موقعیت هایی می گذرد که او یا آنها درگیر است. این در حالی است که نیمه نخست فیلم سر پا تر و قابل پیگیری تر از نیمه دوم است. در نیمه دوم یا مرگ کاراکتر نوجوان، به یکباره پرونده او بسته می شود و ماجرای ازدواج مادر او وارد چالشی اساسی می‌شود. به نوعی شخصیت نوجوان جای خود را به ضلع سوم رابطه ای می دهد که بدون هیچ پیش زمینه و شخصیت پردازی، شیفته پیدا می کند. دختر جوان به عنوان خواهر عروس ضلع سوم یک رابطه نامتعارف را شکل می دهد و حالا تا پایان فیلم او و سرنوشتش و درگیری با خواهر و همسر، داستان فیلم را شکل می‌دهد. در حالیکه نوع مواجهه او با کاراکترهای اصلی و چگونگی ایجاد زمینه‌های انتخاب ازدواج نامتعارفی ابدا برای مخاطب مشخص نیست. انگیزه‌های او، خواست او در دل رابطه‌ای که از پیش شکل گرفته، شفاف نیست. در این میان این تغییرات پی در پی در سرنوشت شخصیت‌ها در تلاقی با یکدیگر توجیه پذیر نیستند.

شخصیت اصلی علی رغم اینکه نقش اساسی را در مرگ فرزند نوجوانش دارد، تا انتهای فیلم در نقش قربانی و شخصیت زخم خورده ای ظاهر می شود که به دنبال یافتن مقصر اصلی مرگ فرزندش است. خواسته‌ها، اکت‌ها و انتخاب‌های کاراکترهای فیلم بر متطق استدلالی قابل قبولی استوار نیست. آنها به شکل کاملا مصنوعی و مهندسی شده، تنها مهره‌های داستانی هستند که قرار است بر چند ایده مرکزی جذاب مدام در رفت و آمد باشند. در حالیکه ایده‌ها ارتباط مستقیمی با هم نداشته و شبکه استدلالی آنها بر یکدیگر متطبق نمی‌شود.

نکته دیگر برخورد انتقادی و تعمیم پذیری است که کارگردان سعی دارد در لایه‌های دوم و سوم مفهومی فیلم، نقدی بر شرایط زندگی در ایران و نوع متاسبات مردم و حکومت داشته باشد. نوع برخورد اثر با چالش های محیط مدرسه و عدم تطابق نیازها و ارزش‌های محیط مدرسه با دانش آموزان، دستمایه بیان این انتقادات است. اما در نهایت با تصمیم ناظم در جلسه دادگاه و پشیمانی او از حضور در دادگاهی علیه دانش آموز خاطی، بحث انتقادی و مفاهیم فرامتنی اثر نیز زیر سوال می رود. فیلمساز در نیمه نخست چنان به سیستم می تازد و آن را عامل اصلی بحران آفرین نشان می‌دهد. که گویی با مانیفستی مفصل روبرو خواهیم بود. اما در انتها با برخورد مهربانانه ناظم، تمام انتقادات را پس گرفته و به تطهیر آن نیز می‌پردازد. "زن و بچه" هم در داستان گویی و شخصیت‌پردازی و هم در بیان مفاهیم کلیدی دچار پراکنده‌گویی شده و فیلم هیچ پرسپکتیوی از جهانی که می‌سازد، پیش روی مخاطب ترسیم نمی‌کند.

مهلت ارسال اثر به چهل‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر تمدید شد

دبیرخانه چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر فراخوان دعوت به همکاری گروه‌ها و هنرمندان موسیقی در این جشنواره را تمدید کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی انجمن موسیقی ایران، به دنبال استقبال گروه‌های موسیقی و هنرمندان این عرصه از فراخوان جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر و به دلیل تماس‌های مکرر و درخواست زمان بیشتر برای آماده‌سازی و ارسال آثار به دبیرخانه جشنواره، مهلت فراخوان این جشنواره تمدید شد.

بنابه گفته آرش امیتی دبیر چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، پیش‌تر مهلت ارسال آثار به دبیرخانه از ۲۰ شهریور تا ۲۰ مهر عنوان شده بود که این تاریخ تا ۳۰ مهرماه تمدید شد.

چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر با هدف معرفی آثار برگزیده موسیقی ایران، ارتقای سلیقه و اقتدای فرهنگ شنیداری مخاطبان، حمایت از موسیقی‌های خلاقانه با توجه ویژه به نوآوران جوان موسیقی و دعوت از گروه‌های خارجی از یکم تا ۳۰ بهمن ماه امسال در تهران برگزار خواهد شد.

این جشنواره به همت دفتر موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توسط انجمن موسیقی ایران برگزار می‌شود.

سینمای جهان

بردلی کوپر هم به دنیای «اوشن»ها می‌رود



بردلی کوپر در پیش‌درآمد «یازده یار اوشن» یا «اوشن ۱۱» با مارگو رابی بازی خواهد کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ورایتی، بردلی کوپر در حال مذاکره است تا در فیلم پیش‌درآمد «اوشن ۱۱» با مارگو رابی نقش‌آفرینی کند.

داستان این پروژه به قبل از فیلم اصلی «اوشن ۱۱» ساخته استیون سودربرگ در سال ۲۰۰۱ با بازی جورج کلونی، مت دیمون، برد پیت و جولیا رابرتز بازمی‌گردد.

در «اوشن ۱۱» که بر اساس فیلم «یازده یار اوشن» محصول دهه ۱۹۶۰ ساخته شد که درباره ۵ عضو گروه «رت پک» با بازی فرانک سیناترا بود، درباره کلاهبرداراني است که صدها میلیون دلار از یک کازینو در لاس وگاس سرقت می‌کنند.

این فیلم که به یک موفقیت تجاری و انتقادی بدل شد، با ۲ دنباله ادامه یافت و چندی پیش اعلام شد که یک پیش‌درآمد هم برایش ساخته می‌شود.

لی ایزاک چانگ فیلمساز «چرخش‌ها»، کارگردانی این پیش‌درآمد را بر عهده دارد و جایگزین جی روچ شده که ابتدا برای کارگردانی فیلم انتخاب شده بود.

کری سولومون در حال نوشتن فیلمنامه است که باتوجه به اخباری که قبلا در این مورد منتشر شده‌بود، داستانش در اروپای دهه ۱۹۶۰ می‌گذرد. هرچند هنوز عنوانی برای فیلم تأیید نشده، اما احتمالاً از چند شماره نمی توان در عنوان آن استفاده کرد زیرا «۱۲ یار اوشن» محصول ۲۰۰۴ و «۱۳ یار اوشن» محصول ۲۰۰۷ دنباله‌های این فیلم بودند و «۸ یار اوشن» محصول ۲۰۱۸ هم با بازی ساندرا بولاک، کیت بلانشت، آن هاتاوی و ریحانا در فضای این فیلم ساخته شد.

کلونی به تازگی گفته سال آینده فیلم «اوشن ۱۴» با دیمون، پیت و رابرتز ساخته می‌شود. حالا باید دید چه عددی ماموریت مشترک رابی و کوپر را شکل می‌دهد.

سینمای ایران

«اُرسی» در بخش مسابقه جشنواره هوف آلمان



فیلم کوتاه «اُرسی» به کارگردانی محمد هرمزی به جشنواره فیلم هوف آلمان راه پیدا کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه، فیلم کوتاه «اُرسی» به کارگردانی محمد هرمزی، محصول مشترک ایران و اسپانیا، در اولین نمایش جهانی خود، به بخش مسابقه پنجاه و نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم هوف در کشور آلمان راه پیدا کرد.

جشنواره فیلم هوف Hof در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد. این رویداد بین‌المللی معتبر سینمایی، از نظر کشف استعدادهای جوان، یک جشنواره مهم در دنیای آلمانی زبان‌ها محسوب می‌شود. فیلم‌سازانی نظیر جیم جارموش، وین وندرس، ورنر هرتسوگ و تام تیکور از نام‌هایی هستند که نخستین حضور بین‌المللی خود را در این جشنواره تجربه کرده‌اند.

پنجاه و نهمین دوره این جشنواره از ۲۱ تا ۲۶ اکتبر مصادف با ۲۹ مهر تا ۴ آبان در آلمان برگزار می‌شود.

آرزو تاج‌نیا، حسن عسگری، حامد برغانی، مریم شاه ولی، علیرضا رحیم‌زاده، الهام مختاری، گرشا میرزایی، دلاور خسروناید، جلیل رفیعی و اکبر محمدی، در این فیلم کوتاه ایفای نقش کرده‌اند و پخش بین‌الملل اثر بر عهده نگار فیلم است.

عوامل فیلم کوتاه «اُرسی» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: محمد هرمزی، تهیه‌کنندگان: لورا سوارز گراندہ، میثم جهانی و محمد هرمزی، محصول مشترک ایران و اسپانیا، مجری طرح: امیر زارعی، مدیر فیلمبرداری: علی حسین زاده، تدوین: شیدا گرجی، صدابردار: سامان شهامت، طراحی و ترکیب صدا: گیسو آزاد روش، اصلاح رنگ و نور: نیما دبیرزاده، طراح صحنه: فاطمیا نوفلی، طراح لباس: محمد هرمزی، طراح گریم: مهرناز محوی، دستیار کارگردان: رامین پورعبداله، منشی صحنه: مهتاز درودی، مدیر تولید: علی کشاورز، مدیر تدارکات: سعید واحدی، عکاس: پوریا نوری، طراح لوگو: علی زین دایاشی، طراح پوستر: فرید توایی، مترجم: سپیده خلیلی، زیرنویس رضا تاری‌وردی و مشاور رسانه‌ای: علی کشاورز.

معرفی کتاب

اثر انتظار: ذهنیت چگونه زندگی را دگرگون می‌کند



نویسنده: دیوید رابسن
مترجم: بیتا دارابی
نشر مون

پیام آشنا: بازسازی انتظار انسان می تواند نقطه‌ی شروعی برای تغییر واقعی در زندگی باشد. دیوید رابسن در کتاب اثر انتظار با زبانی علمی، روشن و مثال‌های زنده این اصل را اثبات می کند. این کتاب که در گروه کتاب‌های روان‌شناسی و مرتبط با ضمیر ناخودآگاه قرار دارد، با فعال سازی انتظارات سازنده، خواننده را برای بهبود واقعی وضعیت ذهنی، فیزیکی و عاطفی‌اش ترغیب می کند.

درباره کتاب اثر انتظار

انتظارات ما نه صرفاً پیش‌بینی کنندهٔ، بلکه سازنده‌ی واقعیت‌اند؛ چرا که ذهن و بدن ما مطابق با باورهایی که داریم، به طور واقعی واکنش نشان می‌دهند؛ حتی اگر این باورها در ظاهر صرفاً ذهنی باشند. این همان اصلی است که در مفهوم‌هایی مانند اثر پلاسیبو و متعاقباً تصور مثبت یا منفی از آینده، نمود می‌یابد. دیوید رابسن (David Robson) در کتاب اثر انتظار (The Expectation Effect: How Your Mindset Can Transform Your Life)، ضمن استفاده از پژوهش‌های علمی پیشرفته، به ما نشان می‌دهد چگونه انتظارات ما، شکل‌دهنده‌ی تجربه‌های زندگی ما هستند.

وقتی ذهن معجزه می‌آفریند: از پلاسیبو تا اثر انتظار

دیوید رابسن در کتاب اثر انتظار، برای اثبات این نظریه مطالعات متنوعی را از تقاطع عملکرد ورزشکاران با طلسم‌های خوش‌یمن گرفته تا تأثیر مثبت پلاسیبو ارائه می کند. وی رابطه‌ی میان اثر انتظار و اثر پلاسیبو یا درمان با دارونما را به تفصیل بررسی می کند و معتقد است این موارد مسیرهای شبیه‌سازی مغز را فعال می‌کنند و با تولید اندورفین یا کاهش التهاب، واکنش‌های فیزیولوژیکی واقعی را موجب می‌شوند.

دیوید رابسن در طول کتاب اثر انتظار، تأثیر انتظارات بر سلامت و بیرشدن، نحوه‌ی عملکرد ذهن به‌عنوان ماشینی پیش‌بینی کننده، چگونگی تأثیر پلاسیبو و نوشدارو‌های ذهنی و حتی شکل‌گیری عادات غذایی، تندرستی، خلاقیت و غلبه بر اضطراب را توضیح می‌دهد. وی با ارائه‌ی راهکارهای کاملاً عملی و علمی مانند تجسم خلاق، بازساخت انتظارات منفی و تأکید بر نگرش مثبت نسبت به استرس یا پیری می‌کوشد تا شما را به فعال ساختن انتظارات سازنده ترغیب کند و آغازی برای تغییر واقعی در زندگی باشد.

جوایز و افتخارات کتاب اثر انتظار

- بهترین کتاب ساندی تایمز در سال ۲۰۲۳
- کتاب هفته‌ی رادیو بی بی سی ۴
- بهترین کتاب فایننشیال تایمز در سال ۲۰۲۲ در حوزه سلامت و تندرستی
- بهترین کتاب واترستونز در سال ۲۰۲۲ در زمینه علوم عامه‌پسند
- انتخاب سردبیران آمازون

کتاب اثر انتظار برای شما مناسب است اگر

- می‌خواهید تغییرات واقعی و پایدار در زندگی خود ایجاد کنید.
- احساس آسیب‌دیدگی یا فرسودگی می‌کنید و به دنبال درمان غیر دارویی برای بازیابی انرژی و انگیزه‌ی خود هستید.
- دوست دارید با روش‌های علمی و کاربردی تفکر و عملکرد خود را بهبود دهید.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم

هنری بیچر، متخصص بیهوشی آمریکایی، به اثر دارونما و دوباره علاقه نشان داد. او در پایان جنگ جهانی دوم، در ایتالیا و فرانسه خدمت می‌کرد و اغلب مجبور می‌شد سربازانی را با زخم‌های هولناک گوشت و پوست دریده، استخوان‌های شکسته و ترکش‌های جاافتاده در سر، سینه و شکم مداوا کند. بارجوداین، او از مشاهدهٔ این نکته حیرت‌زده می‌شد که بسیاری از بیمارانش (حدود ۳۲ درصد) هیچ دردی را گزارش نمی‌کردند و ۴۴ درصد از افراد نیز دردی خفیف یا ناراحتی اندکی را اعلام می‌کردند. حتی وقتی گزینهٔ استفاده از مسکن در اختیار این افراد قرار می‌گرفت، سه‌چهارم آن‌ها حتی از مصرف داروهای مسکن امتناع می‌کردند. بیچر تصور می‌کرد آرامش نجات از میدان نبرد نومی سرخوشی در این افراد به وجود می‌آورد که برای بی‌حسی دردهایشان کافی بود. با تفسیر بیمار از وضعیت خود، مغز و جسم دست‌به‌دست هم می‌دادند و فسکنی طبیعی آزاد می‌کردند؛ پدیده‌ای که بسیار فراتر از فهم پزشکی آن روزها بود.

کشف بیچر به نظر امری معجزه‌آسا بود؛ چون ذخیرهٔ مرفین داشت تمام می‌شد و جراحان مجبور بودند بعضی از سربازان را بدون مسکن جراحی کنند؛ فارغ از آنکه مطلوب این افراد بود یا خیر. برای ایجاد تصور تزریق مادهٔ بی‌حس‌کننده، پرستار بیچر گاهی سرم نمک را به افراد تزریق می‌کرد و به آن‌ها اطمینان خاطر می‌داد که مادهٔ تزریقی نومی مسکن بوده است. سربازان اغلب واکنش مثبت خاص گیرکننده‌ای به این درمان نشان می‌دادند. در حقیقت، بیچر برآورد می‌کرد که دارونما در ۹۰ درصد مواقع به‌اندازهٔ داروی واقعی اثربخش است. حتی به نظر می‌رسید دارونما می‌تواند خطر شوک قلبی عروقی مرگ‌بار در نتیجهٔ جراحی بدون مواد بیهوشی و آرام‌بخش را کاهش دهد.